

فرآیند شکل‌گیری اندیشه سیاسی جلال آل‌احمد: "بازگشت به خویشتن"

عباس منوچهری*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

مسلم عباسی

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۵/۴/۸۷ - تاریخ تصویب: ۲۳/۶/۸۷)

چکیده:

جلال‌آل‌احمد از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روشنفکران معاصر است. در این پژوهش با استفاده از الگوی نظری اسپریگنز، فرآیند شکل‌گیری اندیشه‌سیاسی او تبیین خواهد شد. فهم فرآیند شکل‌گیری اندیشه سیاسی آل‌احمد مستلزم راهیابی به اندیشه او است. هرمنوتیک روشی مؤلف محور اسکینر یکی از معتبرترین رهیافت‌ها در فهم متون و آراء سیاسی بشمار می‌رود. طبق این روش در نظر گرفتن آثار "غرب‌زدگی" و "در خدمت و خیانت روشنفکران" به عنوان یک کنش گفتاری قصد شده، در ارتباط با فضای گفتاری دوران نوشته شدنش، نشان می‌دهد که این آثار پاسخی به مسئله "بحران هویت" در دهه چهل در ایران بوده است. از اینرو اگر اندیشه سیاسی را به عنوان آراء و عقاید درباره سامان وجه سیاسی حیات انسانی تعریف کنیم، می‌توان اندیشه سیاسی جلال‌آل‌احمد در سال‌های دهه ۴۰ را "بازگشت به خویشتن" نامید.

واژگان کلیدی:

فضای گفتاری، بحران هویت، بازگشت به خویشتن

Email: amanoocheri@yahoo.com

فاکس: ۸۲۸۸۳۶۱۷

* نویسنده مسئول:

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در همین مجله منتشر شده است:

«سنجش نظری قانون اساسی جدید افغانستان با دموکراسی»، شماره ۴، زمستان ۸۸.

مقدمه

جلال‌آل‌احمد از روشنفکران تاثیرگذار دهه‌های ۴۰، ۵۰ و بعد از آن در ایران بوده است. انتقادات او به روشنفکران و جریان‌های فکری پس از مشروطه، گسستی مهم را در نوع تأمل درباره فرهنگ بومی و فرهنگ مدرنیته غرب ایجاد کرد. به همین خاطر در شناسایی پارادیم‌های فکری ایران معاصر، دهه ۴۰ را تحت سیطره جلال‌آل‌احمد می‌دانند و نقش او را در بوجود آمدن انقلاب ۱۳۵۷ در ایران و پیروزی اسلام سیاسی پر اهمیت می‌شمارند (بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۹۹ و ۲۶۸). این اهمیت بیشتر از هر چیز به خاطر انتشار دو کتاب سیاسی و اجتماعی با عنوان‌های "غرب‌زدگی" و "در خدمت و خیانت روشنفکران" بود. او در این آثار با تلاش در جهت ارائه راه‌حلی برای سامان سیاسی و اجتماعی به عنوان یک متفکر سیاسی معروف شد.

تبيين فرآیند شکل‌گیری اندیشه‌سیاسی جلال‌آل‌احمد مستلزم داشتن الگویی نظری است. توماس اسپریگنز در کتاب "فهم نظریه‌های سیاسی"، الگویی در اختیار ما قرار می‌دهد که بوسیله آن می‌توانیم فرآیند شکل‌گیری اندیشه یک متفکر را تبیین کنیم (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۱۸۹). اسپریگنز با بررسی اندیشه‌های سیاسی متفکران مختلف، الگوی همگونی را که هر متفکری تا ارائه راه‌حل خود می‌پیماید، تبیین کرده است. روش اسپریگنز برای تبیین این الگو، منطق عملی بوده است. در این روش، فرآیند شکل‌گیری اندیشه نتیجه‌ی ارتباط اندیشه ورز با دنیایی است که اندیشه‌اش در آن شکل می‌گیرد. طبق نظر اسپریگنز متفکران سیاسی از بحران‌های سیاسی که جامعه با آن‌ها درگیر است، آغاز می‌کنند و اکثر آنها آثار خود را در زمانی نگاشته‌اند که جداً احساس می‌کرده‌اند، جامعه دچار بحران است (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۳۹-۳۸). بنابراین، نخستین سوال پژوهشگر برای دست یافتن به چگونگی شکل‌گیری اندیشه متفکری این است که مشکل او کدام است؟ چه چیزی او را برانگیخته تا تعمق و تفکر ذهنی را به صورت اندیشه سیاسی به رشته تحریر درآورد. هدفش کدام است؟ چه نارسایی و بی‌نظمی مشخص را می‌خواهد درمان کند؟ (همان: ۵۵-۵۴). بنابراین «پژوهشگر از جایی شروع می‌کند که متفکر خود آغاز کرده است، نه از نتیجه و نه از سؤالات انتزاعی بلکه احساس مشخص سردرگمی و حیرتی که در ابتدا نظریه پرداز را به تفکر واداشته است» (همان: ۳۸). بر این اساس پا به پای متفکر پیش می‌رویم تا ببینیم او در شکل گرفتن اندیشه‌اش از چه مراحل عبور می‌کند. اسپریگنز چهار مرحله؛ مشاهده بحران و بی‌نظمی، تشخیص درد (علل بی‌نظمی)، بازسازی خیالی دنیای سیاسی در ذهن و ارائه راه‌حل را، به عنوان مراحل که هر متفکری در فرآیند شکل‌گیری اندیشه‌اش می‌پیماید، معرفی کرده است.

نکته قابل توجه آنکه اسپریگنز روشی برای چگونگی مواجهه با اندیشه و فهم آن در اختیار ما قرار نداده است. او به این موضوع نپرداخته است که چگونه می‌توان فهمید مشکل یک متفکر چه بوده است و یا علل بی‌نظمی، بازسازی خیالی که متفکر از سامان سیاسی در ذهن خود ترسیم می‌کند و یا راه‌حلی را که ارائه می‌دهد، چگونه بفهمیم. عدم توجه به این مهم چه بسا آنچه را که به عنوان فرآیند شکل‌گیری اندیشه سیاسی متفکر تبیین می‌کنیم، مخدوش کند.

فهم آنچه را که متفکری گفته است مستلزم راهیابی به اندیشه اوست. زبان مفردی است که می‌تواند اندیشه‌شناس را به فهم اندیشه متفکر راهبری کند. بنابراین، فهم اندیشه یک متفکر مستلزم بررسی آثار او است. هرمنوتیک و به‌طور خاص هرمنوتیک روشی مؤلف محور اسکینر یکی از معتبرترین رهیافت‌ها در فهم متون و آراء سیاسی است. هدف اساسی روش اسکینر مشخص کردن کار یا عملی است که نویسنده با نوشتن متن در حال انجام آن بوده است. آنچه در این روش زبانی اهمیت می‌یابد آن است که دریابیم نویسنده برای بیان چه قصدی این نطق معین را تولید کرده و قصد برقراری ارتباط با مخاطبانش را داشته است. لذا مسئله اساسی در مطالعه هر متنی این است که دریابیم نویسنده در هنگام نگارش آن، به دنبال بیان چه چیزی بوده است که برای بیان آن به برقراری این ارتباط با خواننده روی آورده است. از نظر اسکینر آثار و گفتار هر متفکری پاسخی به سوالات و مشکلات رایج عصر خود وی محسوب می‌شود از اینرو لازمه شناخت هر اثر سیاسی شناخت سوالات و مشکلات رایج آن عصر است. از منظر اسکینر سه عنصر اساسی در شکل دادن به فضای هر دوره‌ای که به نحوی فضای گفتاری آن دوره است. مؤثر می‌باشند: مسائل و پرسش‌های آن دوره و پاسخ‌های ارائه شده به آنها؛ معانی، مفاهیم و گزاره‌های متداول در آن دوره که نویسنده با استفاده از آنها متن خود را به رشته تحریر در آورده است؛ و سنت، عرف، اصول و قواعد مرسوم در استدلال‌های سیاسی که جهت پاسخ به مسائل به کار می‌رفته است (Skinner, 1988(c): 63, 68 (skinner,1988(a): 63-65) Skinner, 1988(d):103).

اگر اندیشه‌سیاسی را به عنوان آراء و عقاید در باب سامان وجه سیاسی حیات انسانی تعریف کنیم، می‌توان اندیشه‌سیاسی جلال آل احمد در سال‌های دهه چهل را "بازگشت به خویشتن" نامید. پژوهشگران بسیار در باره مفهوم "بازگشت به خویشتن" در اندیشه آل‌احمد تحقیق کرده‌اند اما این تحقیقات در عین مفید بودن دچار ضعف‌هایی بارزی هستند. آنچه در میان عموم این تحقیقات یا اظهارنظرها مشترک است فقدان مبانی روشی مشخص است. این موضوع که پژوهشگر چگونه می‌تواند از خودش و زمانه‌ای که در آن زیسته است فراتر برود و به شکلی همدلانه و انتقادی به فهم اندیشه‌ای بپردازد موضوعی مهم در این پژوهش است. به

نظر می‌رسد رهیافت اسکینر در فهم اندیشه سیاسی متفکران سیاسی بتواند ما را در ارائه تصویری روشن‌تر از یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های سیاسی معاصر ایران یاری دهد. تلاشی که از سوی دیگر می‌تواند استفاده از روش و رهیافت مشخص در فهم اندیشه سیاسی معاصر ایران را جهت پایان دادن به مجادلات فرسایشی و ایدئولوژیک در این حوزه به سنجش بگذارد.

فضای گفتاری ایران در دهه چهل

به نظر اسکینر بستر زبانی (Linguistic Context) مجموعه‌ایی از متن‌های نوشته شده یا به کار رفته در آن دوره است که زمینه قواعد مرسوم آن دوره را مشخص می‌کند، همچنین قرارداد متن در زمینه عملی (Practical Context) آن نسبت متن و مؤلف را با فعالیت‌های سیاسی نشان می‌دهد (skinner, 1988(c):9).

پیشگامی در گفتار غربزدگی و تأکید بر مباحثی مانند هویت ایرانیان و از خودبیگانگی فرهنگی آنها در قبال شیوه زندگی جدید و انتقاد از شبه مدرنیست‌های غرب‌گرا تا حدود زیادی با سید فخرالدین شادمان بود (بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۰۳ و ۱۰۴؛ شادمان، ۱۳۲۶: ۴). اما در سال‌های دهه ۴۰ نویسندگان و روشنفکران بسیاری به مباحثی مانند شرق و غرب، غرب‌زدگی، مخالفت با تکنیک، نقد زندگی شهرنشینی جدید، تأکید بر مفاهیم بومی در قبال بحران‌های تجدد و مدرنیسم می‌پرداختند. به همین خاطر دهه ۴۰ را اوج گرمی جریان بومی‌گرایی می‌دانند، دهه‌ای که غلبه گفتار "غرب‌زدگی" و "بازگشت به خویشتن" ابزار نظری لازم برای یک جنبش فکری اسلامی را در دهه بعد فراهم کرده بود (بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۹۹ و ۲۶۸).

پایه فلسفی گفتار "غرب‌زدگی" را یکی از معاصران شادمان، احمدفردید فراهم ساخت. بنا بر دیدگاه علی قیصری «اصطلاح غرب‌زدگی را [برای نخستین بار] فردید وضع کرد؛ این اصطلاح از نظر لفظی به معنی گرفتار غرب شدن و آسیب دیدگی از آن است. فردید خود برای غرب‌زدگی کلمه dysiplexia را به کار می‌برد که آن را از ترکیب دو کلمه یونانی dys و plexia به معنی غرب و مبتلا، جعل کرده بود (قیصری، ۱۳۸۰: ۱۵۳).

از سوی دیگر، مبحث بومی‌گرایی و غرب‌زدگی همان زمانی در ایران شکوفا شد که حساس‌ترین ذهن‌های جهان غربی مانند آلبر کامو، اریک فروم، مارکوزه، ژان پل سارتر، جورج برناردشا، آرنولد توین بی و پیش از آنها اسوالد اشپنگلر، هانری برگسون و هایدگر به خاطر بحران‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فلسفی بعد از جنگ در اروپا درباره شایستگی‌ها و مسیر غرب تردیدهای جدی کرده بودند (بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). در این میان، آراء هایدگر درباره تکنولوژی بیشترین اهمیت را برای روشنفکران ایرانی داشت. تکنولوژی برای هایدگر معنای بسیار وسیع‌تر از معنای متداول آن را شامل می‌شد. این مفهوم در قالب مسئله اصلی هایدگر که

نیپیلیسم (نیست‌انگاری) است، قابل درک است. به نظر او نیست‌انگاری در علوم و تکنولوژی شکوفا شده است. بنا بر دیدگاه هایدگر technikon عبارت است از امری که به techné تعلق دارد (هایدگر، ۱۳۷۳). یونانیان از این واژه آفرینش و کاربرد ابزار را مراد نمی‌کردند. بلکه آنها از این واژه‌ها همان کشف و برملاکردن را می‌فهمیدند و اگر از تولید و نظم بخشیدن سخن می‌رفته به دلیل همین کاشفیت و برملاکردن بوده است. به نظر هایدگر در تکنولوژی جدید این کاشفیت و برملاکردن از نظر افتاده و جنبه ابزاری، تولیدی و نظم دهی آن اخذ شده است (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۰۶-۱۰۷). بنابراین، او برگشت به "نخنه" یونانی را برای نجات معرفی می‌کرد.

یکی دیگر از مهم‌ترین متفکران تأثیرگذار بر روشنفکران ایرانی در این دهه مارکوزه بود. مارکوزه نیز متأثر از هایدگر، وبر و نیچه به انتقاد از تکنولوژی می‌پرداخت. به نظر او توسعه صنعتی، خرد آدمی را در چهارچوب واقعیت زندگی متوقف داشته و از همین‌جا «از خود بیگانگی» ظاهر می‌شود. این موضوع سبب کاهش انسان در سطح روابط تولید و مصرف خواهد شد و این همان فاجعه انسان‌تک‌ساختی شدن است (قادری، ۱۳۸۱: ۱۱۷-۱۱۸). از سویی دیگر او به خاطر تغییر زمینه سرمایه‌داری به جامعه صنعتی جدید، نیروی محرکه تاریخ را دیگر پرولتاریا نمی‌دانست، بلکه پس از جنبش‌های دانشجویی دهه ۶۰، «روشنفکران» را به عنوان نیروی انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب معرفی می‌کرد (باتامور، ۱۳۸۰).

از سویی دیگر در این سال‌ها ظهور جریان‌های استقلال طلب ملی‌گرا و ضد استعماری در بخشی بزرگ از آفریقا و آسیا و تسلط یافتن رهبران پیشرو و روشنفکران ناسیونالیست جهان سومی مانند یاسر عرفات، احمد بن بلا، استیون بیکو، هواری بومدین، امیلکار کابرال، فیدل کاسترو، امه‌سزر، فرانتس فانون، پائول فریر، ارنستو چه‌گوارا، س.ل.ر. جیمز، گابریل گارسیا مارکز، آلبرت - ممی، جمال عبدالناصر، جواهر لعل نهرو، پابلونرودا، قوام‌نکرومه، والتر رانی، لئوپولد سدار سن‌گور، سوکارنو، و مائوتسه‌دون تأثیری قابل توجه در برجسته شدن تفکر بومی‌گرایی در ایران گذاشت، چیزی که با توجه به تجربه پیدایی مفاهیم و مقولاتی مانند "استقلال" و "ناسیونالیسم ملی‌گرا" در بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق بومی‌گرایی این سال‌ها را سویه ناسیونالیستی و ضد استعماری بخشیده بود. در این راستا، جریان فکری دیگری که مورد اقبال روشنفکران ایرانی قرار گرفت جریان فکری نظریه‌پردازان «مکتب وابستگی» مانند «پل باران» و «آندره گوندره فرانک» بود. این نظریه در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در نقد تئوریهای «نوسازی»، نقش «عامل خارجی» را در توسعه نیافتگی کشورهای غیرغربی برجسته می‌کرد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۳۹). از آنجا که مدرنیزاسیون محمدرضا شاه به نحوی متأثر از جریان فکری نوسازی آمریکایی قرار داشت، استدلال‌های موجود در آراء نظریه‌پردازان مکتب وابستگی بخشی از زمینه ایدئولوژیک این سال‌ها را تشکیل می‌داد.

جریان فکری چپ در این دوره تحت تأثیر معضلات اجتماعی و فرهنگی مدرنیزاسیون با نقد مدرنیته از دیدگاه کلاسیک مارکسیستی به نحوی دیگر در جهت گفتار بومی‌گرا قرار گرفته بود. هر چند اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی رژیم پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد امکانات سیاسی و فکری دهه‌های قبل را از این جریان فکری - سیاسی گرفته بود، اما غلبه جهانی گفتار چپ در آن سال‌ها در کنار عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در ایران، تحت تأثیر برنامه‌های مدرنیزاسیون این دهه، باعث قوی‌تر شدن گفتار تئوریک این جریان فکری شد؛ چیزی که تأثیر زیادی بر حیات روشنفکری ایران و روند حرکت‌های رادیکال سیاسی در این دوره گذاشت (وحدت، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

تغییر دیگر در آرایش نیروهای سیاسی این دهه، به وجود آمدن فضای جدید سیاسی در مساجد، مدارس علمیه و بازار بود (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۱۳۵). روحانیت هر چند جزو طبقه متوسط مرفه‌ای بود که از رونق اقتصادی دهه ۴۰ و برنامه‌های توسعه و مدرنیزاسیون شاه بهره برد (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۴-۵۳۱) اما سرگشتگی روحی، فرهنگی و هویتی در قبال شیوه زندگی شبه مدرن این دوره مهم‌ترین دلیل مخالفت و حساسیت آنها به برنامه‌های مدرنیزاسیون شاه شد. بهره‌مندی روحانیت از رونق اقتصادی دهه ۴۰ باعث می‌شد آنها برای نخستین بار در تاریخ ایران واعظانی را به طور منظم به محلات فقیرنشین شهری و روستاهای دورافتاده بفرستند (همان: ۴-۵۳۱) همان‌جایی که توزیع نابرابر ثروت و منابع؛ و گسیختگی اجتماعی - فرهنگی و سرگشتگی‌های هویتی و فرهنگی میان شیوه زندگی سنتی و شیوه زندگی شبه مدرن مهم‌ترین مخالفان برنامه‌های مدرنیزاسیون شاه را به وجود آورده بود. پس از دوران مدرنیزاسیون رضاشاه این طبقات با جذب به سازمان‌های سکولاری مانند حزب توده و چپ کارگری اعتراضات معیشتی خود را سازمان می‌دادند، اما بیگانگی مبانی تئوریک جریان چپ با ساخت فکری این طبقات در کنار رفتار خشونت‌آمیز رژیم با این سازمانها باعث می‌شد آنها نتوانند به سازماندهی این طبقات که تعدادشان نسبت به دوره قبل - پس از مدرنیزاسیون رضاشاه - چند برابر شده بود، پردازند. این نسل شوریده، فقیر و از خودبیگانه که در فرآیند ویران شدن بافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سنتی جامعه در روند مدرنیزاسیون بوجود آمده بود، تنها در حسینیه‌ها و مساجد بود که آرامش خود را باز می‌یافتند و می‌توانستند چندی در جهان سنتی و از دست رفته و نوستالژیک خود زیست کنند (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

در امتداد این تحولات فضای گفتاری ایران از ادبیات گریز دهه پس از کودتای ۲۸ مرداد به ادبیات مقابله با مظاهر وابستگی و اکتشاف مایه‌های ملی تبدیل شد و جای آینده‌نگری حاکم بر تفکر روشنفکران دوره مشروطه و سال‌های ۳۰-۱۳۲۰ را غم غربت زندگی ساده گذشته گرفت (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۴۰۶). پیدایش داستان‌های اقلیمی و روستایی یکی از ویژگی‌های فضای

گفتاری در دهه ۴۰ است. به عنوان مثال، بیشتر داستان‌های رئالیست تخیلی غلامحسین ساعدی مانند "عزاداران بیل"، "توپ" و "ترس و لرز" تجربه سفرهای او به مناطقی از ایران است. او در آثاری مانند "دندیل"، "واهمه‌های بی‌نام و نشان"، و "گور و گهواره" اضطراب‌های زندگی شهرنشینی جدید را منعکس کرده است. پرداختن به معضلات اجتماعی و روحی ایرانیان در قبال مدرنیزاسیون و از دست رفتن سامان زندگی سنتی مهم‌ترین مضامین آثار این سال‌هاست. داستانهای "سه ساعت دیگر" و "برخورد" احمد محمود؛ "مرغ پاکوتاه" نجف دریابندی؛ "پناهگاه" ناصر تقوایی؛ "به خدا که می‌کشم هر کس که کشتم" و "بو" بهرام حیدری؛ "بعد - از تابستان" علیزاده؛ "شریفجان" تقی مدرسی؛ "شادکامان دره قره‌سو" علی محمد افغانی؛ "یک ساعت از ۲۴ ساعت" و "برگها می‌ریزند" کاظم سادات اشکوری؛ "مردان"، "کوه‌ها غمناکند" و "برای باران"، محمدعلی سپانلو؛ آثار میرصادقی و ناصرشاهین‌پر؛ آثار محمود دولت‌آبادی و هوشنگ گلشیری در این دهه عمدتاً حول مضمون «بازیابی خانه پدری» و بازیابی «هویت» نوشته شده است. میرصادقی در بهترین آثارش مانند "چشم‌های من خسته"، "فاجعه و کشاکش"، "این شکسته‌ها"، "درازنای شب" و "شبچراغ" درباره جوانانی می‌نویسد که در کشاکش برنامه مدرنیزاسیون این دهه ملاک‌ها و ارزش‌های زندگی سنتی در ذهنشان فرو می‌ریزد آنها علیه خرافات، خشکه مقدسی می‌شورند و در جستجوی راهی برای پیشرفت تلاش می‌کنند، اما در برخورد با هر دو دنیا حالتی از سردرگمی پیدا می‌کنند که معمولاً برای رهایی از آن به زندگی بی‌بندوبار تمدن مصرفی می‌گروند. از اینرو میرصادقی در آثاری مانند "شب‌های تماشا"، "گل زرد"، "این سوی تل‌های شن"، "دوالپا"، "نجاتی‌ها"، "پیرهن‌آبی" و "هراس" به نفی زندگی شهری و ماشین می‌پردازد و در حسرت به یگانگی و هماهنگی زندگی سنتی از دست‌رفته نوعی نوستالژی رمانتیک برای زندگی گذشته و طبیعت پاک را به نمایش می‌گذارد. سویه دیگر ادبیات روستایی این دوره در کنار پرداختن به غم غربت و نوستالژیک زندگی شهری در بازگشت به زندگی بسامان ساده سنتی و روستایی، پرداختن نویسندگان به تضادها و سرگشتگی‌های زندگی روستایی به‌خاطر اصلاحات ارضی و مدرنیزاسیون این دوره است. این روستایی نویسان، فقر و خرافه‌پرستی روستاییان، نابودی سنت‌ها بر اثر هجوم تکنولوژی پیشرفته، فساد و بی‌بندوباری که همراه با ورود ماشین به ده آمده است، بحران‌های اجتماعی و فرهنگی روحی مهاجرین روستایی به شهر، اعتراضات رمانتیک و عصیانگرانه روستائیان علیه مظاهر زندگی جدید مانند ماشین، فساد و بی‌بندوباری و فاصله طبقاتی را بازگو می‌کنند. سرگشتگی روحی و فکری روستاییان و از دست رفتن شیوه کار قدیم و مناسبات اجتماعی سنتی برانگیزاننده نوعی حس رمانتیک عصیان‌گرایانه در آنها است. در بیشتر این داستان‌ها خشم و حسرت نویسندگان از نابودی سنت‌ها بوسیله ماشین به

نمایش در آمده است. آثاری مانند "برخورد" نوشته احمد محمود و یا داستان "پای غول" از ناصر شاهین پر از نمونه‌های این آثار است (میرعابدینی، ۱۳۸۳).

قصد و منظور جلال آل احمد در "غرب‌زدگی" و "در خدمت و خیانت روشنفکران"

پیگیری مضامین آثار "غرب‌زدگی" و "در خدمت و خیانت روشنفکران" به عنوان یک کنش گفتاری قصد شده در ارتباط با بستر زبانی و زمینه عملی دوران نوشته شدن این آثار نشان می‌دهد قصد و منظور آل‌احمد؛ انتقاد به سرگشتگی اجتماعی و هویتی در زندگی شهری و روستایی، وابستگی، مدرنیزاسیون و سرمایه‌داری، انتقاد از روشنفکران تجددگرا، از دست رفتن ملاکهای زندگی سنتی، هویت و فردیت افراد در مواجهه با مدرنیزاسیون و در نتیجه سرگردانی، بی‌ملاکی، یأس و فساد بوجود آمده در زندگی شهری و روستایی بوده است. این همان مسائل و پرسش‌هایی است که فضای گفتاری این سال‌ها را تشکیل می‌داد، از این رو طبق روش اسکینر آل‌احمد در ارتباط با بستر زبانی، زمینه ایدئولوژیک و زمینه قواعد مرسوم دوره خود و به قصد ارتباط برقرار کردن با فضای گفتاری عصر خود و انجام دادن کاری در ارتباط با زمینه ایدئولوژیک و کنش سیاسی این دوره به نگارش آثار خود پرداخته است. پرسش بنیادی بستر زبانی این دوره همان بیماری است که آل‌احمد تحت عنوان "غرب‌زدگی" آن را معرفی می‌کند (آل‌احمد، ۱۳۴۶: ۲۱). آل‌احمد با معرفی نمودهای این بیماری در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان، آن را بیماری فراگیر تلقی می‌کند که باعث درهم ریختی و آنومی در اجتماع ایرانی شده است (همان: ۱۵۹). مشخصاتی که آل‌احمد برای یک آدم غرب‌زده برمی‌شمارد (همان: ۱۲۳)، همان مشخصاتی است که سوژه‌های داستانی سرگردان و بی‌هویت آثار احمد محمود، شاهین‌پر، میرصادقی و ... دارند. بنابراین همچنان که در آثار آل‌احمد مشاهده می‌کنیم، نقد تجددگرایی، وابستگی، مدرنیزاسیون و سرمایه‌داری، انتقاد از روشنفکران - تجددگرا، پرداختن به مباحثی مانند استعمارزدایی، استعمار فرهنگی، از خودبیگانگی فرهنگی، ماشینیسم، تکنیک، غرب‌زدگی و تأکید بر مفاهیم بومی و سنتی و نوعی نوستالژی و غم غربت زندگی ساده گذشته و جستجوی اصالتها و هویت‌طلبی مهمترین مسائل و پرسش‌های بنیادی، مفاهیم و گزاره‌های متدوال و اصول و قواعد موجود در استدلال‌ها و پاسخ‌های این آثار است.

فرآیند شکل‌گیری اندیشه سیاسی جلال آل احمد: "بازگشت به خویشتن"

الف: مشاهده بحران و بی‌نظمی

استفاده از روش اسکینر در فهم بحران و بی‌نظمی که آل‌احمد با آن مواجهه بوده است، نشان می‌دهد بحران اصلی که آل‌احمد مشاهده می‌کند "بحران هویت" بوده است. اسپریگنز در

مرحله مشاهده بحران و بی‌نظمی به این نکته اشاره می‌کند که متفکر ممکن است نسبت به بنیان‌های اصولی حاکم بر یک نظام سیاسی، به دلایلی که برای دیگر بخش‌های جامعه مشخص نیست، دچار توهم شده باشد و آن‌ها را مورد انتقاد قرار دهد (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۵۲). هر چند آل‌احمد ممکن است به خاطر شرایط فرهنگی و اجتماعی دچار بحران‌های فردی و روحی شده باشد اما استفاده از روش اسکینر نشان می‌دهد که مسئله‌ای که آل‌احمد با آن مواجه بوده است مسئله‌ای است که روشنفکران و نویسندگان بسیاری در ارتباط با مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران با آن مواجه بوده‌اند. از اینرو، ارتباط میان مفاهیم و گزاره‌های آل‌احمد با فضای گفتاری این دوره نشان می‌دهد که بحرانی که اندیشه سیاسی آل‌احمد را موجب شده است خیال‌پردازی او نبوده، بلکه کلی و عالمگیر بوده است. این نکته پاسخی به دغدغه اسپریگنز در فهم مشکل اصلی متفکر است.

ب: تشخیص درد (علل بی‌نظمی)

طبق نظریه اسپریگنز پس از اینکه متفکری شرایطی را نامنظم تشخیص داد، نخستین سوالی که برای او مطرح می‌شود آن است که «اگر اوضاع نامرتب است دلایل آن چیست؟» این مرحله را اسپریگنز مرحله «تشخیص درد» می‌نامد، مرحله‌ای که به خاطر نوع پاسخ‌هایی که متفکر به سوالات خود برای پی بردن به دلایل بی‌نظمی و بحرانی که مشاهده کرده، می‌دهد باعث جدایی مکاتب مختلف سیاسی از همدیگر می‌شود (همان: ۸۱). نخستین سوالی که متفکر سیاسی در این مرحله با آن روبه‌رو است آنست که «آیا مشکل مطرح شده ریشه سیاسی (عمومی) دارد یا فردی؟» (همان). رجوع به آثار "غرب‌زدگی" و "در خدمت و خیانت روشنفکران" نشان می‌دهد که آل‌احمد ریشه اصلی "بحران هویت" را نوع مواجهه ایرانیان با غرب؛ زندگی ماشینی؛ سرمایه‌داری غربی؛ استعمار کلاسیک و استعمار فرهنگی؛ ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ایران؛ ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی غرب؛ نوعی مواجهه مقلدانه از غرب در نزد نسل اول روشنفکران؛ نابسامان بودن ساخت اجتماعی و فرهنگی ایرانی میان ویژگی‌های سنتی و شبه‌متجدد؛ بیگانگی طبقات و گروه‌ها مختلف مانند مردم، روشنفکران، روحانیت و حکومت از همدیگر؛ حکومت‌های داخلی وابسته؛ درازدستی صنعتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب می‌داند (آل‌احمد، ۱۳۷۲: ۲۰۰-۱۱۸) (آل‌احمد، ۱۳۵۷: ۷-۳۶۶ و ۲-۳۹۱)، این موضوع نشان می‌دهد که آل‌احمد منبع بی‌نظمی‌های سیاسی و اجتماعی - بحران هویت - را نه در روان «فرد» بلکه مشکل اصلی را از آنهایی می‌داند که به جامعه و محیط بیرون مربوط بوده است. به نظر اسپریگنز اگر متفکر ریشه مشکل را اجتماعی تشخیص داد، سوالی که برای او مطرح می‌شود آنست که آیا مشکل محصول شرایطی است که انسان

می‌تواند تغییر بدهد یعنی "علل قراردادی" (نهادهای اجتماعی و سیاسی مصنوع بشر) است یا اینکه علل از پدیده‌های "طبیعی" (سرشت انسان) است (همان: ۸۱). به نظر اسپریگنز انسان‌شناسی متفکر مسئله اساسی برای پاسخ دادن او به این پرسش است (همان: ۱۰۹). توجه آل‌احمد به روشنفکران و نقش آنها برای پایان دادن به مشکل و مسئله غرب‌زدگی نشان دهنده‌ی نقشی بود که او برای انسان قائل بود (آل‌احمد، ۱۳۵۷: ۱۶۸). چرا که مشکلاتی که او مشاهده و درصدد یافتن راه‌حلی برای درمان او بود، محصول علل و شرایطی قراردادی و مصنوع بشر بود که انسان توانایی تغییر دادن آن برای رسیدن به وضع مطلوب را داشت. این نقش مقوم بر نوعی انسان‌شناسی اگزیستانسیالیست بود که آل‌احمد پیشتر از این در آشنایی با متفکران اگزیستانسیالیست مانند سارتر تجربه کرده بود. به نظر سارتر «انسان محصول عمل خویش است؛ معنایی ذاتی در امور جهان نیست و تنها انسان است که به همه چیز معنا می‌بخشد؛ هر کس فی‌نفسه جهانی است و خود، باید معنای زندگی خویش را دریابد، از اینجاست که سارتر بر مسئولیت، تعهد، تکلیف و مشارکت فرد تأکید می‌کند» (بشیریه، ۱۳۷۶: ۵-۲۴۴) - به نظر اسپریگنز نظریه‌پرداز سیاسی که علل بی‌نظمی سیاسی را در عوامل و پدیده‌های «طبیعی» - آن طور که طبیعت هست - می‌بیند، از نظریه‌پردازانی که علل بی‌نظمی سیاسی را در نهادهای «ساخته دست بشر» و ترتیباتی می‌بیند که انسان آفرید محافظه‌کار تر است. به همین ترتیب، نظریه‌پردازانی که منبع بی‌نظمی سیاسی را در روان «فرد» می‌بیند، به طور کلی، از نظریه‌پردازانی که رفتار نادرست «جامعه» را علت می‌داند محافظه‌کارتر است (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۱۰۹). از این‌رو، آل‌احمد به خاطر تأکید بر علل بی‌نظمی سیاسی در نهادهای «ساخته دست بشر» و همچنین تأکید او بر فرد برای تغییر آن به عنوان متفکر سیاسی رادیکال دسته‌بندی می‌شود.

تأکید آل‌احمد بر مفاهیمی مانند «مسئولیت» و «تعهد فرد» و «رسالت نویسنده» در آثارش (آل‌احمد، ۱۳۷۴: ۶-۷۵)، یکی از دلایل برجسته شدن او در فضای تجربه شکست‌های سیاسی و فکری مانند انشعاب از حزب توده و سپس کودتای ۲۸ مرداد بود؛ فضایی که نوعی عدم اعتماد بنفوس، یأس و ناامیدی، درونگرایی، رد سویه‌های اجتماعی و سیاسی هنر و نویسنده از ویژگی‌های آن به حساب می‌آمد. بنابراین، نظرها بیش از پیش به نظریه‌پردازانی جلب شد که با انتقاد از وضعیت موجود و با ایمان به مسئولیت انسان و توانایی او در تغییر وضع موجود ارائه‌دهنده نظریه‌ای رادیکال برای زمانه‌ای بود که محیطی مناسب برای رشد نظریه‌های مطلق‌گرایانه و رادیکال به حساب می‌آمد.

ج. بازسازی خیالی دنیای سیاسی در ذهن

طبق نظریه اسپریگنز پس از مرحله «تشخیص درد» سوالی که متفکر سیاسی با آن مواجه خواهد شد آن است که اوضاع سیاسی مرتب چه خصوصیتی دارد؟، در این مرحله است که او به بازسازی خیالی سامان سیاسی در ذهنش می‌پردازد (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۸۰). تصور آن چه که باید باشد در حقیقت سویه هنجاری اندیشه سیاسی است. اما تجسم متفکر سیاسی از جامعه‌ی بازسازی شده، با این که «خیالی» است، باید به شدت با واقعیات مربوط باشد (همان: ۱۲۰).

اثر "غرب‌زدگی" نشان می‌دهد، اوضاع سیاسی خوب به نظر آل‌احمد اوضاعی است که در آن در تعریف شرق و غرب یکی مقهور دیگری نباشد؛ استعمار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در رابطه میان شرق و غرب وجود نداشته باشد؛ مصرف‌کننده بر اساس شرایط کشورش تصمیم بگیرد چه چیز و به چه مقدار وارد کند نه صادرکننده؛ قیمت کالای صادراتی چه از طرف غرب (تکنیک) چه از طرف شرق (ماده خام) توسط صادرکننده مشخص شود؛ شاخص‌های رفاه اجتماعی در شرق مانند غرب بالا باشد؛ مقابله‌ای میان دنیای غنی و فقیر چه در داخل کشور و چه در روابط میان کشورها وجود نداشته باشد. توانایی گرفتن چیزهایی از غرب مانند تکنیک و علم و رد کردن بعضی چیزهای دیگر مانند شیوه زندگی غربی وجود داشته باشد؛ ارتباط برقرار کردن با غرب، دست یافتن به تکنیک و علم غربی، و مدرن شدن بدون دچار شدن به سرگشتگی روحی و اجتماعی؛ دست یافتن به ماشین و تکنیک بدون دچار شدن به بحران‌های هویتی و اجتماعی ماشین‌ساز؛ وجود داشتن سامان اجتماعی و روحی و ملاک و ارزش در جامعه و وجود نداشتن آشفتگی و آنومی در ساخت اجتماعی و نوع شیوه معیشت و زندگی مردم در سرگردانی میان ملاک‌های قدیم و جدید؛ داشتن هویت منسجم و هنجار در زندگی خصوصی و اجتماعی؛ وابسته نبودن حکومت و دولت؛ حفظ کردن شخصیت تاریخی و فرهنگی در قبال ورود جبری ماشین و نگسستن از سنت تاریخی و فرهنگی گذشته؛ پایان دادن به تمایل تاریخی به غرب؛ آشنا شدن و پی بردن به رمز ساختن ماشین و مقدمات آن در بستر فرهنگ، تاریخ و سنت داخلی نه بر اساس واردات؛ رسیدن به پیشرفت و ترقی بر اساس سیر تاریخی و فرهنگی خودمان و درون همین زمینه؛ احساس حقارت نکردن در برابر غرب و از دست ندادن هویت فرهنگی؛ تقلید نکردن از ظواهر غرب و آشنایی با سیر تاریخی تمدن غرب و دریافتن اساس فلسفه تمدن غرب از مهم‌ترین مقولاتی است که آل‌احمد در این اثر در ارتباط با اوضاع خوب به آن توجه دارد (آل‌احمد، ۱۳۴۶).

از سویی دیگر، آل‌احمد در کتاب "در خدمت و خیانت روشنفکران" تصویری از روشنفکر ایده‌آلی بدست می‌دهد که جامعه را در جهت وضع مطلوب راهنمایی می‌کند. این روشنفکر ایده‌آل که آل‌احمد او را روشنفکر خودی و بومی می‌نامد به معنی هوشمند، فهمیده، برگزیده و

فرزانه است که از بند قضا و قدر، تعصب، فرمانبری و اطاعت رهیده است و توانایی و جرأت ورود به لاهوت و ناسوت را دارد، کار فکری انجام می‌دهد بدون آنکه قصد نفع شخصی داشته باشد و حاصل کار خود را در اختیار جامعه و مردم قرار می‌دهد. سروکار این روشنفکر با کلام است و بر اساس مثلث ارتداد- حمل بار امانت- نفوذ کلام رسالتی پیامبرگونه دارد (آل‌احمد، ۱۳۵۷: ۱۶۸). این روشنفکر نمی‌تواند پروریده طبقات اشرافیت، روحانیت، زمین دار و مالک باشد بلکه پروریده زادگاه چهارمی بنام شهرنشینی تازه پا است که به نظر آل‌احمد چون در بند تعصب و تعبد روحانیت، اشرافیگری اشرافیت و درمانده طفیلی‌گری مالکیت و زمینداری نیست، لایق‌ترین زادگاه روشنفکری به حساب می‌آید (همان: ۴-۲۱۳). این روشنفکر توانایی فراروی و رهایی از بحران‌های هویتی شرایط ویژه تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوره معاصر را دارد و می‌تواند از بی‌ریشگی روشنفکران غرب‌زده به دور باشد و توانایی بیگانه نبودن از فرهنگ و اجتماع خود را دارد و زبان صحبت کردن با مردم را بلد است.

این معیارها که متفکر سیاسی در این مرحله از اندیشه‌پردازی در خیال خود بازسازی می‌کند، در واقع "هنجارهایی" برای زندگی سیاسی است. او با همین معیارهاست که کفایت نظام سیاسی و اجتماعی موجود را اندازه می‌گیرد (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۱۲۶). با توجه به معیارهای آل‌احمد در بازسازی خیالی جامعه سیاسی بسامان می‌توان از میان روش‌های "رادیکال"، "محافظه‌کار" و "اصالت عمل" که اسپریگنز برای تغییر جهت در دنیای سیاست در مرحله بازسازی جامعه سیاسی مطلوب معرفی می‌کند (همان: ۱۳۱) روش آل‌احمد را "رادیکال" دانست، به معنایی که اسپریگنز به معنی اصلی کلمه "رادیکال" یعنی «ریشه» نظر دارد. در این روش، متفکر به ریشه و بنیان اصلی مسئله نگاه می‌کند و غالباً خواهان تغییرات وسیع می‌باشد. آرمان‌گرایی، انتزاعی و خیال‌پردازانه اندیشیدن و در نتیجه‌گیرهای خود «منطقی» بودن از خصیصه‌های دیگر متفکر سیاسی رادیکال به حساب می‌آید. نکته‌ی دیگر که درباره این روش وجود دارد و اسپریگنز به عنوان نقطه‌ی ضعف آن برجسته می‌کند فرارفتن این اندیشه‌پردازی از حدود قابل دسترس در شکل ارائه تصویرهای پندارگونه و خیالی است که ظرفیت زیادی برای افتادن در سویه‌های خطرناک مانند توجیه خشونت برای طرح‌های فریبنده دارد (همان: ۱۳۳)؛ همچنان که اندیشه‌سیاسی آل‌احمد نیز ظرفیت بسیاری برای تبدیل شدن به نظریه‌ای بنیادگرا در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را داشته است.

د: ارائه راه حل

مرحله چهارم که اسپریگنز آن را مرحله راه درمان نامیده است، متفکر سیاسی وضعیت مطلوب را تجویز می‌کند؛ راه حلی که متفکر سیاسی در این مرحله ارائه می‌دهد به این معنی

است که اگر این راه حل برقرار شود، مشکلات حل می‌شوند. بنابراین، نکته اصلی در راه درمان، بحث «هست» و «باید» است. «هست» همان توصیف جهان است و «باید» یعنی آنچه که درست و بهتر است باشد اما نیست. بنابراین «باید» یک ضرورت ارزشی است. در اندیشه سیاسی «باید» شاخص وضعیتی مطلوب است که جایگزین وضع موجود می‌شود (همان: ۱۵۷). این بایدها بر اساس ملاکها و معیارهایی تجویز می‌شود که متفکر سیاسی در مرحله قبل ارائه داده و وضع موجود و بی‌نظمی‌های آن را با آن سنجیده است. با توجه به بحران و بی‌نظمی مشاهده شده توسط آل‌احمد، تشخیص درد او و بازسازی خیالی دنیای سیاسی بسامان در اندیشه او، "بازگشت به خویشتن" راه حل آل‌احمد برای خروج از بحران مشاهده شده بوده است.

راه‌حل تجویز شده توسط آل‌احمد؛ مفاهیم و گزاره‌هایی که او در استدلال‌هایش بکار می‌برد، همان پاسخ‌ها، مفاهیم و استدلال‌هایی بود که در متون نویسندگان این دوره وجود داشت. برای پی بردن به راز کامیابی و جاذبه آل‌احمد و شاخص شدن او به عنوان نظریه پرداز محوری "بومی‌گرایی" و "بازگشت به خویشتن" فراتر از محتوای آثارش باید به شیوه بیان و بلاغت پرشور و تأثیرگذار او نیز توجه داشت (آل‌احمد، ۱۳۸۵: ۹-۱۰). نثری عصبی، خشن، طوفانی، پرطپش، عصیانگر، فشرده، غیردقیق و بی‌پروا، گفتاری و محاوره‌ای، بدون هر گونه تکلف و تصنع بیانی، با شیوه نوشتاری ساده، پویا و پیراسته و پرصداقت و صمیمی‌گو، که از سویی در برابر نثر خسته و ناامیدوارانه این دوران باعث توجه نظرها به کنش زبانی او می‌شد و از سویی دیگر زبانی کارآمد برای دوره‌ای بود که در جستجوی زبانی بی‌پروا برای «گفتگوهای عجولانه و نظریه‌های مطلق‌گرایانه» بودند. دوره‌ای که عصبانیت از شکست جریان‌های فکری و سیاسی دوره‌های قبل و همچنین بحران‌های روحی و اجتماعی این سال‌ها ویژگی رمانتیک و عصیانگرایی‌های به جنبش‌های فکری و سیاسی داده بود، و برای سال‌های بعد زمینه عملی ایران را در قالبی از حرکت‌های آشتی‌ناپذیر و مسلحانه تغییر می‌داد. مجموعه این خصوصیات باعث شد که «فضای فکری ایران در دهه چهل زیر تسلط جلال آل احمد باشد» (بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۶۲)، و او به عنوان مشهورترین منتقد غرب‌گرایی در میان روشنفکران ایران معروف شود (قصری، ۱۳۸۳: ۱۵۱) از سویی دیگر، موفق شود «بسیاری از روشنفکران ایران را قانع کند که بیماری اجتماعی موجود، آنچنان که پیشینیان در قرن پیش تصور می‌کردند، دیگر عقب‌ماندگی نیست بلکه غرب‌زدگی است» (بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۹۹). ویژگی‌هایی که از او «چهره‌ای مقدس»، محکم، پرصلابت در ذهن بسیاری از هم‌نسلانش ساخته بود (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

نتیجه

جلال آل احمد مانند بسیاری دیگر از متفکران سیاسی، پس از مشاهده بحران و نابسامانی در جامعه شروع به اندیشه پردازی کرده است. بنابراین، مهم‌ترین سؤالی که یک پژوهشگر برای شناخت اندیشه سیاسی او باید به آن پاسخ بگوید، فهم نارسایی و بی‌نظمی مشخص است که آل احمد را به تعمق و تفکر ذهنی واداشته است. عدم درک درست این موضوع شناخت اندیشه متفکر سیاسی مورد بررسی را مخدوش خواهد کرد.

استفاده از روش اسکینر در فهم قصد و منظور آل احمد نشان می‌دهد بحران اصلی که او مشاهده کرده و درصدد درمان آن بوده است، "بحران هویت" بوده است. آل احمد پس از مشاهده این بحران بر اساس انسانشناسی خود که مقوم بر مفهومی آگزیستانسیالیستی از انسان بوده است به تشخیص دلایل این نابسامانی پرداخته است. دلایلی که بیشتر از آنکه در روان فرد ریشه داشته باشد به جامعه و محیط بیرون بر می‌گشت. دیدگاه آل احمد در باب انسان به عنوان نیروهای تغییرآفرین و عاملین انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب نشان دهنده‌ی خاصیت رادیکال اندیشه سیاسی او می‌باشد. معیارهایی که او به عنوان اوضاع سیاسی و اجتماعی مطلوب و همچنین روشنفکر ایده‌آل بومی در ذهن خود ترسیم کرده بود در حقیقت هنجارهایی برای زندگی اجتماعی، سیاسی و فردی ایرانیان بود که توسط آن نظام سیاسی، اجتماعی و روحیات و خلیات ایرانیان را مورد سنجش قرار داده بود. این معیارها به خاطر سوگیری به ریشه‌ها و بنیادهای اصلی اجتماع، سیاست و فرد سویه دیگر رادیکال بودن اندیشه سیاسی او می‌باشد. در نهایت آل احمد "بازگشت به خویشتن" را به عنوان راه حلی برای گذار از وضع موجود (هست) به وضع مطلوب (باید) تجویز می‌کند. این راه حل مقوم بر اندیشه‌ای بومی از مدرنیته بود که فاقد تضادها و بحران‌های هویتی در عرصه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فردی دوره معاصر در قبال گذار از سنت به تجدد باشد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۰)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل محمدی؛ محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
۲. آل احمد، جلال (۱۳۴۶)، کارنامه سه ساله، تهران: انتشارات زمان.
۳. آل احمد، جلال (۱۳۵۷)، در خدمت و خیانت روشنفکران، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
۴. آل احمد، جلال (۱۳۶۴)، نامه‌های جلال آل احمد، ج ۱، تهران: انتشارات بزرگمهر.
۵. آل احمد، جلال (۱۳۷۲)، غرب زدگی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات فردوس.
۶. آل احمد، جلال (۱۳۷۴)، مکالمات: گفته‌ها و شنیده‌های جلال آل احمد، تهران، انتشارات فردوس.

۷. آل احمد، جلال (۱۳۸۵)، نامه های دانشور و آل احمد در سفرهای کوتاه (۱۳۴۱-۱۳۴۴)، تهیه و تنظیم مسعود جعفری، کتاب سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات نیلوفر.
۸. احمدی، بابک (۱۳۷۷)، مدرنیته و اندیشه انتقادی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
۹. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، جامعه شناسی توسعه، تهران: موسسه نشر کلمه.
۱۰. اسپرینگز، توماس (۱۳۷۷)، فهم نظریه های سیاسی، ترجمه فرهنگ ربایی، چاپ سوم، تهران: نشر آگه.
۱۱. اسکینر، کوئینتن (۱۳۸۰)، ماکیاولی، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ چهارم، تهران: انتشارات طرح نو.
۱۲. باتامور، تام (۱۳۸۰)، مکتب فرانکفورت، ترجمه حسینعلی نوذری، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۱۳. بروجرودی، مهرداد (۱۳۷۸)، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، چاپ سوم، تهران: نشر فرزاد.
۱۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران: نشر نی.
۱۵. دانشور، سیمین (۱۳۸۰)، ساریان سرگردانی، تهران: شرکت سهامی خاص انتشارات خوارزمی.
۱۶. ساعدی، غلامحسین (۱۳۷۷)، عزاداریهای بیل، چاپ چهاردهم، تهران: نشر قطره.
۱۷. ----- (۱۳۷۸)، توپ، تهران: نشر قطره.
۱۸. شادمان، سید فخرالدین (۱۳۲۶)، تسخیر تمدن فرنگی، تهران: چاپخانه ایران.
۱۹. قادری، حاتم (۱۳۸۱)، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. قیصری، علی (۱۳۸۳)، روشنفکران ایران در قرن بیستم، ترجمه محمد دهقانی، چاپ اول، تهران: انتشارات هرمس.
۲۱. میرسپاسی، علی (۱۳۸۴)، تاملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفتارهای روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران، مترجم جلال توکلیمان، چاپ اول، تهران: طرح نو.
۲۲. میرعابدینی، حسن (۱۳۸۳)، صد سال داستان نویسی ایران، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.
۲۳. وحدت، فرزین (۱۳۸۳)، رویارویی فکری ایران با مدرنیته، ترجمه مهدی حقیقت خواه، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
۲۴. همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزیلا چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
۲۵. هایدگر، مارتین، (۱۳۷۳)، «پرسش از تکنولوژی»، مترجم شاپور اعتماد، در مجله ارغنون، سال اول، شماره اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب. خارجی:

1. - Skinner, Quentin (1988a), Meaning and understanding in the history of ideas, in: 'James Tully (1988), Meaning and Context'.
2. ----- (1988b), Motives, intentions and the interpretation of texts, in: James Tully (1988), Meaning and Context'.
3. ----- (1988c), "Social meaning" and the explanation of social action, in: 'James Tully (1988), Meaning and Context'.
4. ----- (1988d), some problems in the analysis of political thought and action, in: 'James Tully (1988), Meaning and Context.